

تأملی گذرا بر برخی از کلیدواژه‌های علوم و معارف دفاع مقدس

۹

بررسی اساسنامه‌ی حزب بعث و ابعاد مخوف و پنهان شخصیتی صدام



تهیه کننده: مختار گلانتری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

تابستان ۱۳۹۴

جنگ:

مقدمه:

توصیف جنگ:

جنگ منفورترین، فشن‌ترین و چن‌دش‌بارترین پدیده‌ی بشری است که همواره بر عرصه‌ی انسانیت جولان داده و می‌دهد.

جنگ فی‌نفسه با فطرت و ضمیر انسان منافات دارد، اما هرگاه مبانی ارزشی به مخاطره بیافتد، جنگ نیز توصیه می‌گردد.

از سال ۱۹۴۵ (پایان جنگ جهانی دوم و مصادف با تأسیس سازمان ملل متحد) تاکنون بیش از ۱۶۰ جنگ روی داده است و بیش از ۵۰ میلیون تلفات به همراه داشته است.

توضیح: مطابق با ماده‌ی ۵۱ منشور سازمان ملل هرگاه کشوری فاطی بر علیه کشوری دیگر تعدی و یا اقدام به جنگ کند، کشور مورد هجوم مجاز است تا با استفاده از کلیه‌ی امکانات و تمهیزات موجود و تمهیدات لازم به مقابله پرداخته و ضمناً "مراجع ذیصلاح (شورای امنیت سازمان ملل متحد) را نیز مطلع و طرح شکایت کند.

متأسفانه جنگ تمهیلی در اوج غافلگیری و نابسامانی‌های سافتار سیاسی، اقتصادی، امنیتی و و سوء مدیریت برخی از عناصر دولت مؤقت اتفاق و موارد اجرایی این ماده از متفد و مجاری بین‌الهللی بموقع دنبال و پیگیری نشد.

هدف جنگ ها:

بطور کلی هدف جنگ‌ها عمدتاً تممیل اراده‌ی سیاسی یک دولت بر دولت دیگر، تسلط بر منافع، تصرف خاک و ... را دنبال می‌کند.

بعبارتی غلبه‌ی بُعد مادی انسان (بعد میوانی) بر بُعد معنوی (الهی).

تعریف لغوی جنگ:

جنگ یعنی رهد، جدال، قتال، کشتار و هرگونه درگیری فصمانه با رقیب است.

تعریف اصطلاحی جنگ:

*به مجموعه‌ی تمهیداتی اطلاق می‌شود که برای رسیدن به اهداف و مقاصد مختلف اعم از حق و یا باطل اقدام می‌گردد.

*بعبارتی تممیل اراده‌ی سیاسی گروهی بر گروه دیگر

یا

*غلبه‌ی بُعد مادی انسان بر بُعد معنوی

بررسی علل وقوع جنگ:

بررسی علل و عوامل وقوع جنگ یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعاتی است که چرایی وقوع جنگ را آشکار می‌کند.

لذا بررسی ابعاد و زوایای جنگ وقتی منصفانه و عالمانه و دور از اغراض شفعی و سیاسی دنبال شود، مناسب است.

موضوعی که می‌تواند زمینه‌ای برای جلوگیری از فرایند ایجابی کشمکش‌ها، تهدیدها، منازعات، مخاصمات و در واقع جنگ‌های بعدی باشد.

علل و عوامل مؤثر در بروز جنگ میان ملت‌ها را می‌توان در موزه‌های گوناگون اختلافات و تعارضات سیاسی، قدرت‌طلبی و فزون‌خواهی، رقابت‌های اقتصادی، قومی، عوامل تاریخی و درگیری‌های مرزی و جستجو کرد.

جنگ ایران و عراق، یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن بیستم، بر اثر فراهم شدن اسباب و علل سیاسی،

نظامی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، عقیدتی و تعارضات انگیزشی و روانی خاص در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹

مطابق با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰م (دوازده ذی‌قعدة ۱۴۰۰ هجری قمری که یکی از ماههای مرام مسموب واز نظر اسلام جنگ در آن جایز

نیست) از جانب کشور عراق بر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران تممیل شد. با این اقدام عجولانه، صدام مسین، فوی و منش انسانی و مسلمانی را زیر پا گذاشت.

از جنگ تمامی عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران در کشور عزیز ما با این تعابیر یاد می شود: جنگ مق بر علیه باطل، نور بر ظلمت، هشت ساله، دفاع مقدس و... .

همچنین این جنگ به (عَمَّ مَزَبَ بَعَثَ بِهِ: عَرَبُ الْقَادِسِيَّةِ"، وَهَمُّ الرَّعْدِ، عَرَبُ الْفَلِيجِ الْأَوَّلِي وَ... یاد می شه.

جنگی که دو قطب شرق (شوروی سابق) و غرب (آمریکا) علیرغم تفاصم طرفین در دوران جنگ سرد به صورت متفق از کشور مهاجم (عراق) بر علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند و برای اولین بار پس از ۲۰۰ سال (از دوران قاجار) متی یک وجب از خاک کشور عزیزمان تجزیه نگردید.

همچنین وقایع (فدادی و مجم مشکلات و نابرابری ها متأثر از مظلومیّت کشور عزیزمان ایران، پیروزی اقلیّت بر اکثریّت و ارادهی بمقمان در روند پایانی جنگ بود.

این پیروزی تنها به پشتوانی ۴ عامل تأثیرگذار ذیل ممقق شه

۱. موهبت های الهی و امداد های غیبی

۲. (هبری مقتدر، شایسته و آرمان گرا) (امام خمینی (ممه " الله علیه)

۳. ایمان و مشارکت همه جانبهی مردم

۴. فلاقیّت و شهدهای نوین جنگ



ویژگی های جنگ تحمیلی عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران

الف: جنگ تحمیلی، جنگی نیابتی بود: یعنی کشور عراق و در رأس آن صدام به نیابت کشور و یا کشورهای دیگر در جهت تحقق اهدافی از پیش تعیین شده بصورت یکجانبه و غافلگیرانه وارد جنگ شد. (در این جنگ صدام به نیابت دو قطب شرق و غرب که در رأس آن شوروی سابق و آمریکا بودند نقش ایفاء می کرد).

ب: جنگ تحمیلی، جنگی فرسایشی و مطابق با تمایل قوا بود: یعنی هدف بلوک شرق و غرب در ایجاد جنگ، فتنه سازی و مفتل کردن انرژی نهفته و بالقوه ی دو کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران بود. (بعبارتی چون منافع خود در منطقه و جهان (از جمله مذهب اسرائیل) را در خطر می دیدند، با استفاده از مهره ای مستبد و نادان (صدام) جنگ را به راه انداختند).

ه: جنگ تممیلی جنگی مبتنی بر توازن قوا بود : یعنی مسببین اصلی تممیل جنگ در واقع راغب به

پیروزی هیچ‌کدام از طرفین نبودند. بعبارتی جنگ را بدون برنده دنبال می کردند. (دراین جنگ تممیلی‌هاغ بر ۳۷ کشور مامی مستقیم عراق بودند.)

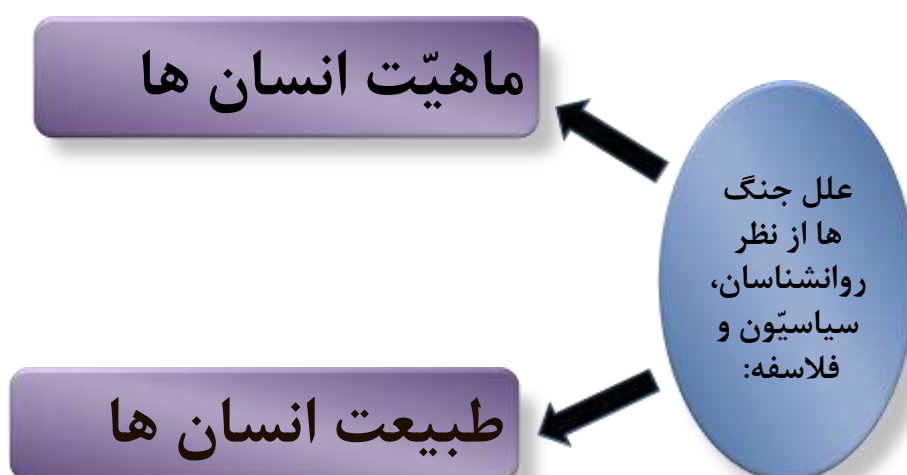
کشورهای مامی و در رأس آن آمریکا نیز منافع خود را دنبال می کردند و سعی در تضعیف طرفین و مفاصمه ی درازمدت داشتند. لذا در صورت امساح ضعف ویا شکست عراق بر مجم کمکهای تجهیزاتی، مالی، انسانی و ... می‌افزودند و در صورت برتری آن کشور بر جم‌هوری اسلامی ایران مجم مساعدت‌ها که عمدتاً " بلاعوض و سفاهت‌مندانه بود را محدود و یا اینکه مؤقتاً " قطع می‌گردند. **هنری کسینجر وزیر وقت امور خارجه‌ی آمریکا** در این فصوص می‌گوید: **بنفع ما نیست که هیچ یک از طرفین در این جنگ پیروز شوند** (۱) با این همه ه جمه و عناد از سوی استکبار و اجانب، فوشبفتانه ورق به نفع جم‌هوری اسلامی ایران مبنی بر مظلومیت و مقانیت رقم خورد و پیروزی نهائی ممقق شد...

ما تَشَاوُونَ اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (شما نمی‌فواهید، مگر اینکه پروردگار جهانیان فواسته باشد. تکویر/۲۹)

مبنای پیدایش جنگ:

از دیدگاه سیاسیّ، فلاسفه و روانشناسان، پیدایش جنگ به ماهیت و طبیعت انسان مرتبط می‌باشد.

در این صورت می‌توانیم بگوئیم که در آن طبیعت انسان با بضران و بیماری مواجه می‌گردد. یعنی اگر انسان را موجودی دارای دو بعد مادی و معنوی یا دو بعد میوانی و الهی بدانیم، جنگ وضعیتی است که در آن، بعد مادی(میوانی) انسان بر بعد معنوی (الهی)اش غلبه می‌کند و ایشان از مسیر اصلی انسانیت خارج می‌شود. اینجاست که جنگ به منزله ی عمل جرّامی برای انسان ضرورت می‌یابد.



علل جنگ از دیدگاه روانشناسان

در این دیدگاه جنگ‌ها براساس ماهیت و طبیعت انسان بررسی می‌شوند.

روانشناسان معتقدند که جنگ از ویژگی‌های طبع بشری است.

مطابق با این نظریه، بشر فطرتاً درنده‌خو و متجاوز است. بنابراین در جوامع انسانی، جنگ پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. نتایج مطالعاتی روانشناسان مایه‌ای از این است که بین پرفاشگری و سرفوردگی انسان‌ها رابطه‌ی نزدیکی وجود دارد.

امساس سرفوردگی زمانی ایجاد می‌شود که مانعی انسان را از ارضای یک تمایل یا رسیدن به یک هدف باز دارد. بنابراین خشم و غضب ناشی از سرفوردگی و انزوا، به صورت پرفاشگری بروز می‌کند. لذا به رُعم روانشناسان اصل غریزه‌ی پرفاشگری توجیه‌کننده‌ی بسیاری از رفتارهای آدمی است که مُمرک لازم برای تنازعات و جنگ‌هاست.

گاستون بوئول معتقد است که انگیزه‌ی روانی ستیزه‌جویی و جنگ ناشی از سرفوردگی و عقده‌ی مقاربت و عقده‌ی شکست است که غالباً به شکل عقده‌ی گناهکاری طبیعی یا ماورای طبیعی آشکار می‌شود. در این حالت انسان با بمران مواجه می‌گردد و می‌کوشد گناه شکست خود را به گر دن دیگران بیاندازد. بنابراین تلاش می‌کند با آغاز ستیزه، عقده‌ی خود را تلافی کند.

توضیح: (این دیدگاه با پیشینه‌ی شفصیتی صدام در دوران کودکی که متعاقباً " در همین موزه به آن پرداخته خواهد شد، منطبق و نمود

عینی و واضح دارد، هرچند مطابق با دیدگاه‌های دیگرنیز نقش تمامیت‌خواهی و ددمنش و فردستیزی ایشان بارز است.)

علل جنگ از دیدگاه سیاسیون:

دیدگاه سیاسیون نیز از مهم‌ترین دیدگاه‌های مورد بررسی و مطابق با بررسی‌های موشکافانه‌ی جنگ است. در این موزه دو مؤلفه‌ی بارز تمت عنوان دیدگاه آرمان‌گرایان و دیدگاه واقع‌گرایان مطرح است که ماهیت روش‌های آن‌ها بیشتر فلسفی و در موزه‌ی ایده‌نالیسم و رئالیسم می‌باشد.

بطور اجمال اینکه آن‌ها نگرشی ریشه‌ای و پیشینی را برای کشف علل جنگ اتخاذ می‌کنند و می‌کوشند تا ماهیت انسان را

کشف و بر اساس آن، جنگ را تفسیر و تملیل کنند. در دیدگاه آرمان‌گرایان به مقوله‌ی جنگ به انسان با نگاه فوشبینانه می‌نگرد اما در دیدگاه واقع‌گرایان به انسان به دیده‌ی شک و بدبینانه می‌پردازد.

در مقابل این دو دیدگاه، مَشی رفتارگرایان نیز قابل تأمل است. رفتارگرایان می‌کوشند تا با بهره‌گیری از ابزارهای علمی و تجربی (پوزیتیویسمی) از قضاوت‌های پیشین خودداری کنند و جنگ را آن گونه که هست، بررسی کنند. از زیر مجموعه - های رفتارگرایان می‌توان به کارکرد گرایان، سافتار گرایان، تقدیرگرایان نیز یاد کرد.

علل فلسفی جنگ‌ها:

فلاسفه نیز همچون دیگر اندیشمندان، علل جنگ‌ها را واکاوی و بررسی کرده‌اند و از زوایای مختلف به آن پرداخته‌اند. به اعم فلاسفه، بیشترین متغیّی که به عنوان علل وقوع جنگ‌ها نمود دارد ماهیت انسان است و به بررسی فلسفی ایجاب وجودی انسان می‌پردازد. هرچند در بررسی انسان به منزله‌ی عامل تصمیم‌ساز در جنگ‌ها، با رویکرد روانشناسی و علوم سیاسی و ... وجوه اشتراک زیادی دارد:

به زعم این دیدگاه عوامل و اسباب بروز جنگ‌ها را در فلسفه‌ی وجودی انسان و فعلیّت‌های ابعاد شفافیتی او می‌توان پیدا کرد.

نگاهی مؤجّز به دیدگاه برخی از فلاسفه‌ی غیر اسلامی و اسلامی در این فصوص قابل تأمل است:

افلاطون:

از بزرگترین فیلسوفان یونان باستان است که وجود جنگ را پدیده‌ی واقعی و بدیهی و نتیجه‌ی طبیعی سافتار انسان عنوان می‌کند و در عین مَکْموم دانستن آن، گاهی وجود آن را برای حفظ دولت - شهر، ضروری می‌داند.

ایشان جنگ را غلبه‌ی جنبه‌ی میوانیّت انسان بر جنبه‌ی الهی می‌داند.

اگوستین قدیس:

از فلاسفه‌ی قرون وسطی است که منشأ جنگ را از زاویای صلیح طلبی بررسی می‌کند.

از نظر وی، صلح هدفی است که تمام مردمان و آفریدگان جهان به کمک قانون طبیعی خلقت (قانون هستی و بقا) برای رسیدن به آن می‌کوشند.

به نظر اگوستین هدف جنگ چیزی جز اس‌تقرار یک صلح باشکوه نیست. او می‌گوید: انسان‌ها می‌کوشند برای برقراری صلح بمانند، اما کسی سعی ندارد از طریق صلح، جنگ به راه بیاندازد.

ماکیاول:

از فلیسوفان و سیاسی‌ون قرن پانزدهم ایتالیا است که دیدگاه خاص دنیا گرایانه‌ای در باره ی ماهیت انسان دارد. وی بر خلاف اگوستین برای انسان اهداف معنوی قایل نیست و به ارزش‌های دنیوی، قدرت، شهرت و زیاده‌خواهی که ویژگی‌های طبیعی انسان است را مورد تأکید قرار می‌دهد. او عقیده دارد قانون الهی برای انسان وجود ندارد و هر چه هست برای انسان و در وجود اوست. او فضیلت را به اقتدار، شهرت و عظمت منتهی می‌داند. وی دو راه قانون و زور را برای کسب هدف (فضیلت) پیشنهاد می‌کند.

توماس هابز:

فیلسوف پوزیتیویسمی (تجربه‌گرای) انگلیسی است که معتقد است انسان‌ها طبیعتاً در وضعیت جنگ به سر می‌برند. وضعیتی که به (حجم) هابز وضعیت طبیعی می‌باشد. او می‌گوید انسان‌ها طبق طبیعت خود از توانایی‌های بدنی و ذهنی برابر برخوردارند و برای بقا و کام‌جویی که به هم-پیشمی و بدگمانی در مق‌همدیگر می‌انجامد، جنگ ضرورت پیدا می‌کند. هابز با توسعه‌ی این دیدگاه وضع زندگی انسان را زندگی توأم با جنگ و انسان را گرگ انسان تلقی می‌کند.

ایمانوئل کانت:

فیلسوف و روشنگر بزرگ آلمانی که صامب نظریه‌ی اخلاق و صلح می‌باشد. (پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد بر اساس نظریه‌ی کانت شکل گرفت). او می‌گوید جنگ سرچشمه‌ی همه‌ی شرها و تباهی‌های اخلاقی است و زمانی جنگ رُف می‌دهد که انسان از نظر اخلاقی، به فساد و تباهی دچار شده باشد و با ماهیت انسان فاصله داشته باشد.

کلاوزویتس:

ازمهم‌ترین فیلسوفات جنگ و از نظامیان ارتش پروس در قرن نوزدهم است که به جنگ از بعد سیاسی می‌نگرد و جنگ را ابزار سیاسی می‌داند.

او می‌گوید: جنگ غلبه‌ی متغیّ سیاسی و ابزار سیاست است و ارتش را وسیله‌ی ای می‌داند که برای تأمین اهداف سیاسی مورد نیاز است. لذا به زعم او بین جنگ و سیاست، همبستگی و تلازم مستقیمی وجود دارد. او می‌گوید: جنگ عمل فشنونت‌آمیزی است که هدف آن، مجبور کردن مریف به گردن نهادن در جهت اراده‌ی طرف مقابل است.

کلاوزویتس ضمن تأکید بر ماهیّت سیاسی جنگ‌ها، سه انگیزه‌ی مهم را در وقوع آن‌ها دخیل می‌داند.

ج : سیاست

ب : تصادف

الف : کینه

فواجه نصیرالدین طوسی:

به زعم ایشان تنوّع نیازها باعث بروز اختلافات و در نتیجه جنگ‌ها می‌گردد.

توضیح: با پیشرفت فن‌آوری و تکنولوژی، تنوّع نیازها و ایجاد دهکده‌ی نیازمندی‌های جهانی این دیدگاه به عینه قابل تأمل است.

ابونصر فارابی:

از دیدگاه ایشان طبیعت و ماهیّت انسان برای نیل به مقاصد و تمنّات باعث پیدایش جنگ‌ها می‌گردد.

ابن خلدون:

ایشان جنگ را امری طبیعی و برآمده از سرشت انسان می‌داند. از دیدگاه ایشان اساسی‌ترین علت جنگ‌ها، ابراز فتنم و انتقام گرفتن است.

توضیح: در این دیدگاه رابطه‌ی مستقیم و متعامل با دیدگاه روانشناسان محسوس می‌باشد.



مطابق با دیدگاه حضرت امام(ره) تدبیر جنگ مبتنی بر اصول ذیل خلاصه می‌شود:

الف: ایمان به هدف متعالی و مقدّس (جهاد فی سبیل الله)

ب: اطاعت از فرماندهی

ج: مردمی بودن جنگ

د: ومدت قوای نظامی و مردمی

ه: جنگ در راه آرمان و اعتقادات والا

و: اصل تقدّم افلاق در جنگ (افلاق جنگی)

ز: توجّه و تکیه بر تکنولوژی و ابزار به مثابه ی ابزار و وسیله نه هدف

ح: سلاح توأم با صلاح (ابزار و تسلیحات در دست افراد صالح)

ط: نفی جنگ هسته‌ای و نامتعارف و تکیه بر جنگ متعارف

ی: نفی هرگونه سلطه‌ی غیر فدایی

ک: نگرش تکلیفی و مسئولیتی

ل: تکیه بر نقش اساسی انسان

م: باور، اراده و عامل بودن به عمل

ن: نفی یأس و ناامیدی

س: استفاده از تجارب دیگران (متّی دشمن)

ع: اطلاعات و آمادگی و برنامه‌ریزی

ف: جنگ مق و باطل

ص: جنگ اسلام و کفر

توضیح: با این آموزه‌های ارزشی، جنگ هشت ساله‌ی تممیلی بر علیه کيان اسلامی، با رهبری حضرت امام (ره)، ترکیبی واقع‌بینانه از عقلانیت و معنویت مدیریت شد و فوشبختانه به برکت همین شیوه رهبری، به پیروزی و اقتدار نظام مقدّس جمهوری اسلامی منتهی شد.

نظر مقام معظم رهبری در فصوص جنگ: همه‌ی جنگ داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ داخل خانه - هاست. در راه‌هاست. داخل دل‌هاست. در مجموعه‌ی تصمیم‌گیری‌هاست. در مجامع بین‌المللی است. . .

پس می‌توان نتیجه گرفت که جنگ ابعاد گوناگونی دارد: جنگ در عرصه‌ی فرهنگی جنگ در عرصه‌ی سیاسی، جنگ در عرصه‌ی تاریخی، جنگ در عرصه‌ی اقتصادی، جنگ در عرصه‌ی امنیتی و . . . عبارتی موزه‌ی پیدایش جنگ بسیار وسیع است.

علل فلسفی وقوع جنگ عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران:

۱- سرافوردگی از گذشته و تلاش برای جبران آن. (صدام و قرارداد ۱۹۷۵)

۲- ترس از آینده، برای مفظ و ابقای موجودیت خود. (مذب بعث در مقابل بیدارطلبی جمهوری اسلامی ایران)

۳- زیاده‌خواهی و تعارض‌های ناشی از آن و تلاش برای ایفاء نقش ژاندارمی خلیج فارس (صدام و پیشه داشت به ارون رود، فوزستان و... (فاک جمهوری اسلامی ایران) و آریکه‌ی قدرت بر خلیج فارس و منطقه.

۴- تجاوزگری و جلیوتیت. (شاکله‌ی شفصیتی و منمصر به فرد صدّام)

۵- بن‌بست روش‌های سیاسی برای تحقق اهداف. (البته به نظر سیاسیون راه‌های سیاسی به بن‌بست نرسیده بود و در واقع زیاده‌طلبی مرب‌بعث فرجام جنگ بود)

۶- پارادوکس جنگ برای صلح. (مبنای معادله و تحلیل‌های مرب‌بعث بود)

با این اوصاف بایستی پیامدهای جنگ را با سه ویکرد واقعینانه دنبال کرد

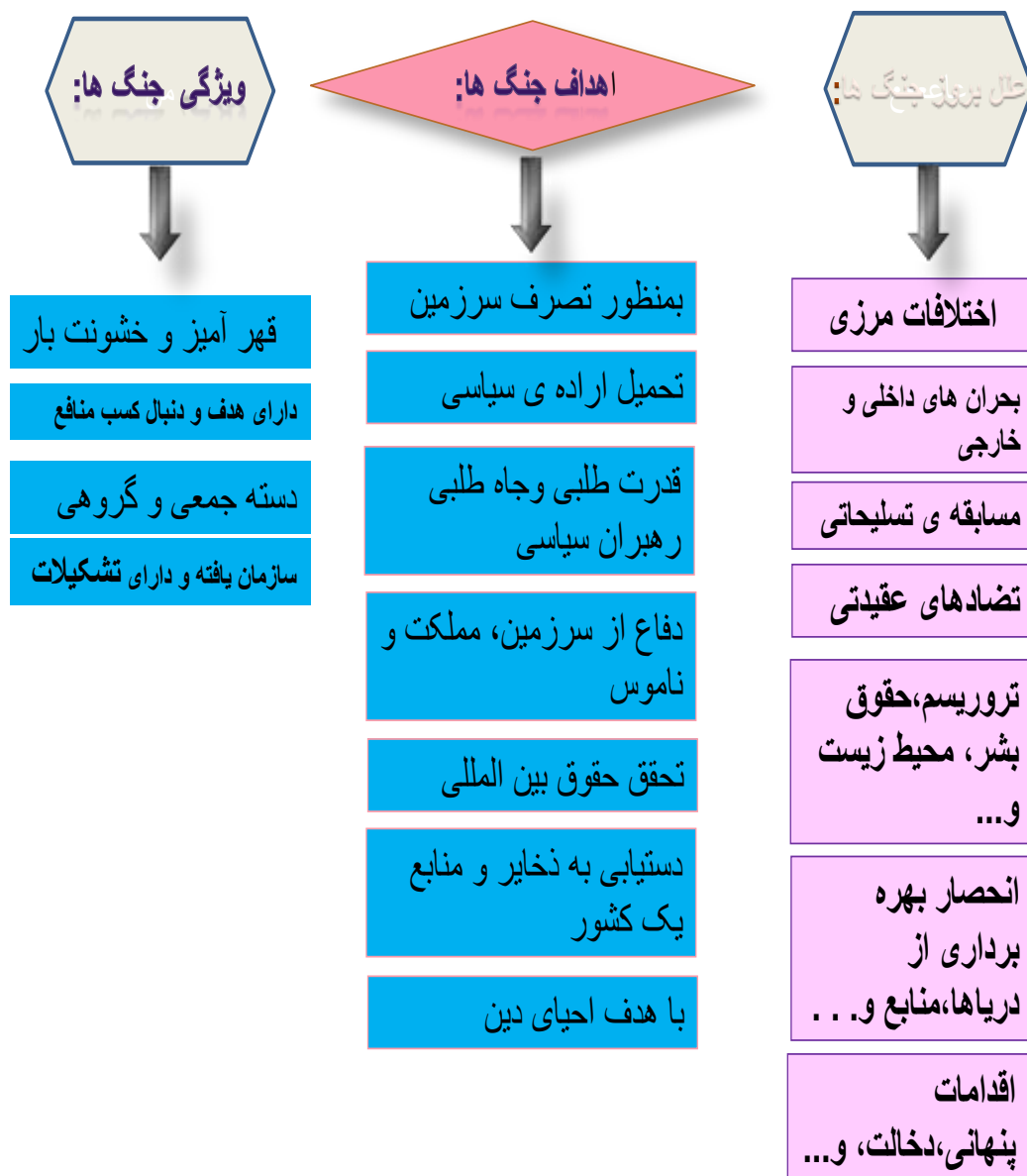
۱. **رویکرد توصیفی:** مبتنی بر دقّت، امانتداری، انصاف، دوری از تملیف و استنادپذیری
۲. **رویکرد تبیینی - تملیلی:** نگاه جامع به زمینه‌های پیدایش جنگ و عوامل رُمدادی و دلائل بروز جنگ، همچنین بررسی رویکرد طرفین و اهداف و منظورها از ایجاد جنگ، ر وشنگری ارزشهای ح‌اکم در جنگ، ابزار، مؤلّفه‌ها، بازفوردها، پشتوانه‌ها و ...
۳. **رویکرد تطبیقی:** مقایسه با جنگ‌های سنوات قبل و جنگ‌های عصر حاضر، بررسی ره‌آورد جنگ در کشور عزیزمان و مقایسه با جنگ در کشورهای دیگر و ...



جنگ:

اهداف جنگ‌ها: **یا فی سبیل الله** (عادلانه) هستند و **یا فی سبیل طاغوت** (ناعادلانه).





جنگ و انواع آن از نظر قرآن:

از نظر اسلام جنگ و فتنه ریزی لازمی آشکار وجود انسان فاسق و زندگی اجتماعی اوست (بقره/۳۰). خداوند بر اساس حکمت خود عالم طبیعت را آفریده است و شرارت را در وجود انسان نهادینه کرده است اما فتنه ها و مصالح در مجموع بر بدی ها و مفسد غلبه کلی دارد و آن دلالت بر عقل، شعور و اختیار انسان دارد.

مفهوم شناسی جنگ و جهاد

الف: واژه های مَرَب، مُعَارَبه، قِتال، مُقَاتله و اِقتتال در قرآن آمده است و به معنای جنگ بکار رفته است اما

به خودی خود دارای بار ارزشی مثبت و یا منفی نیستند و معلوم نیست حق است یا باطل، مشروع است و یا نامشروع، عادلانه است یا ظالمانه.

ب: اما در مقابل واژه ی جهاد بمعنای تلاش و کوشش $\begin{matrix} \text{جُهَد} \\ \text{جَهْد} \end{matrix}$ با بار ارزشی مثبت، عادلانه، مقطلبانه، مقدّس و مشروع یاد شده است.

ج: و از واژه‌ی سِفک دَم: بمعنای فون ریزی، با بار ارزشی منفی و ظالمانه و ناعادلانه بکار رفته است.

جهاد:

جهاد از ریشه‌ی "جُهَد" و "جَهْد" به معنی زحمت، مشقّت، تممّل، طاقت، توان، کوشش و تلاش توأم با سختی است.

انواع جهاد از میث ماهیّ:

الف: جهاد ابتدایی: مصداق از دفاع است. در هیچ یک از آیات قرآن به جهاد ا بتدایی اشاره نشده است. این موضوع نشان‌دهنده‌ی آن است که اسلام فوی جنگ طلبی ندارد. اما واقع‌نگری، موقع‌بینی (ژرف در جهت تأمین مصالح نظام اسلامی و اقتضائات جامع از جانب امام معصوم (ع) یا نایب ایشان در عرصه های مختلف عبارتی پیشدستی بر تهاجم دشمن تسرّی می‌یابد. این جهاد منوط به اذن ایشان و براساس مصلحت و قدرت و اصل غافلگیری دشمنان اعمال میگردد. جهاد ابتدایی مصداقی بر جهاد دفاعی است.

ب: جهاد دفاعی: در قرآن به کزّات به آن اشاره شده است و هرگاه مشرکین، کفار و یا منافقین به بلاد اسلامی تهاجم کنند بر زن و مرد، کوچک و بزرگ، پیر و جوان، قوی و ضعیف برای مقابله واجب می‌گردد. شهید مطهری (ره) جهاد را امری دفاعی می‌داند.

انواع جهاد از میث عمل:

جهاد کفایی: چنانچه صف آرایی در مقابل دشمن به مد کفایت برسد، بر دیگران مفا آمادگی لازم، اما مضور ساقط می‌گردد.

جهاد عینی: بر همه اعم از پیر و جوان، زن و مرد و نکت هر شرایط واجب می‌گردد.



اقسام هشت گانه جهاد در قرآن

- ۱- جهاد با کفر ← فرقان/۵۲
- ۲- جهاد با مشرکین ← توبه/۳۶
- ۳- جهاد با منافقین ← توبه/۷۳
- ۴- جهاد آزادی بخش: یعنی هنگامی که عده ای مظلوم به کمک نیاز دارند. ← نساء/۷۵
- ۵- جهاد با اهل باغی (بغی): یعنی هرگاه دو گروه از مسلمانان که یکی حق و دیگری باغی و سرکش باشند درگیر شوند بر هر مسلمانی واجب گردد تا به اهل حق کمک کند. ← ممت/۹
- ۶- اهل کتاب: ← توبه/۲۹
- ۷- جهاد در راستای قصاص و یا مقابله به مثل ← بقره/۱۹۰



مراتب جهاد از نظر اسلام

جهاد اصغر: همان جنگ با دشمن بیرونی است.

جهاد اکبر: در واقع جنگ با نفس و دشمن درونی است که بزرگترین جهاد است. (مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ)

دفاع: دفاع از ریشه ی دَفَعَ و به معنای پس زدن، عقب راندن و جدا کردن است .

تعریف دفاع مقدس: در اینجا مجموعه مجاهدت ها، رشادت ها، حماسه ها، پایمردی ها و فعالیت -

های متنوع، اثربخش و ارزشی ملت شریف جمهوری اسلامی ایران با رهبری ارزشی، مقتدر و واقع‌نگر برای مهار و تنبیه دشمن در طول ۸ سال بعبارتی ۲۸۹۵ روز معادل (۹۶) ماه در برابر رژیم بعث عراق می‌باشد.

دفاع مقدّس:

تعریف لغوی دفاع: دفاع از ریشه ی دَفَعَ بمعنای عقب راندن، پس زدن، و دفع کردن می‌آید.

تعریف اصطلاحی دفاع: مقاومت در مقابل تهدیدهای دشمن در عرصه های مختلف از جمله سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روانی، فن آوری و... .

دفاع مقدّس: در اینجا مجموعه مجاهدت ها، حماسه ها، پایمردی ها، و فعالیت های متنوع ملت شریف ایران برای تنبیه دشمن در طول ۸ سال، بعبارتی ۲۸۹۵ روز (۹۶ ماه) در برابر رژیم بعث عراق.

انواع مرگ از دیدگاه شهید مطهری(ره):

۱- مرگ طبیعی: در واقع پایان عمر به صورت عادی و طبیعی است. نه افتخار دارد و نه به هدر رفتن عمر تلقی می‌گردد.

۲- مرگ اِقتِرامی: در اثر بیماری، حوادث، سوانح و ... که موجب تأسّف و هدر رفتن است.

۳- مرگی که بر اثر جنایت انسانی (رُف می دهد: برای مقتول به هدر رفتن و مظلومیت و برای قاتل جنایت و فبائت است.

۴- برفی مرگ ها فود جنایت است. مانند فودکشی، یا از دست دادن جان در جریان یک گناه. این مرگ بدترین مرگ ها است.

۵- شهادت: با اختیار و باتوجه به شناخت از فطرات احتمالی ، با تفکری استعلاء فواهانه و در جهت مقدّس و اهداف فی سبیل ... و قرب الهی صورت می‌گیرد. مرگ با شهادت بهترین مرگ‌هاست.



انواع شهادت:

شهید مُکمی: به دیده‌ی مادّی و (زعم ما شهید نیستند اما آجر شهید را دارند . مثل: کسی که در راه امرار معاش خانواده بمیرد.

شهید محقق (مدنی): در این دنیا شهید تلقّی می شوند اما در آخرت شهید نیستند.

شهید واقعی: هم در این دنیا و هم در آخرت شهید هستند.

انشاء ... که همی ما مشمول شهید واقعی تلقی کردیم.

انواع ایثار:

منفی: (آلتوریزم) ← مقدّم داشتن خود بر دیگران. ← بَلْ يَهْتَرُونَ الْمَيَاةَ الدُّنْيَا: اعلی/۱۶

مثبت: جهاد (دفاع) ← مقدّم داشتن دیگران بر خود. — و يُؤثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَهُ كَانَ بِهِمْ مُصْلِحَةٌ: مشر / ۹



صدام حسین و ویژگی‌ها و ابعاد شفصیتی و مدیریتی ایشان:

تأمّل ژرف و مطالعه‌ی ابعاد شفصیتی صدام به عنوان مهاجمی مُستبد و تمامیت خواه، زورگو و فشن و عاملی بر روند پیدایش جنگ تممیلی و از جانب دیگر بررسی و مطالعه‌ی ابعاد شفصیتی حضرت امام (ره)، به عنوان رهبری مقتدر، آرمان‌گرا و واقع‌نگر در جایگاه مدافع و در رُفداد جنگ هشت ساله‌ی دفاع مقدّس، هائز اهمیت است.

صدام حسین در سال ۱۹۳۷ میلادی، در یک خانواده‌ی بھوی و در یک روستای فقیر به نام العَوجَه از توابع جنوب نھریّت، در کرانه‌ی غربی رود دجله و در عشیره‌ی "آلبوناصل" به دنیا آمد.

پدرش قبل از تولد او ناپدید شد و هیچ کس از فرجام او اطلاعاتی ندارد. مادرش به همسری مردی فشن درآمد. صدام یک کودک یتیم بود که در یک خانواده‌ی فقیر و بی‌بهره از تمصیل بزرگ شد. این شرایط تأثیرات منفی بر شاکله‌ی شفصیتی او بر جای گذاشت. تأثیرات منفی مثل: طمع ورزی، ددمنشی، قساوت قلب، فشنونت و.... در دوران کودکی فردی شُور، درنده فو، باج‌گیر و فتنه‌جو بود. او عادت کرده بود که از دیگران قرض بگیرد و پس ندهد.

در سن ۲۰ سالگی به مزب بعث پیوست. او در این دوره با عقده‌گشایی از پیشینه‌ی قبلی توانست مزه‌ی پیروزی و غلبه بر دیگران را تجربه کند و طعم قدرت سیاسی را بچشد.

در واقع او در جوانی از لات‌های گردن کلفت بغداد بود و از زندگی اجتماعی چیزی جز زور و قدرت را باور نداشت. با موافقت مزب بعث طرح ترور عبدالکریم قاسم را طرح ریزی کرد که عقیم ماند و به مصر گریخت. در دانشگاه قاهره و در رشته‌ی حقوق ثبت نام کرد که بنا به گفته‌ی مصطفی طلالس (وزیر پیشین دفاع سوریه) که همزمان با صدام در دانشگاه قاهره مشغول تمصیل بود، موفقیتی حاصل نکرد و با س ازمان سیا و مافل اطلاعاتی مفوف همکاری و تعامل داشت.

پس از کودتای عبدالسلام عارف که با تأیید و پشتیبانی جمال عبدالناصر همراه بود و به سرنگونی عبدالکریم قاسم منجر شد به بغداد بازگشت. (۱۹۶۳) صدام ۲۶ ساله بود که با تشکیل مجموعه‌ای تحت عنوان "العَرسُ القَومی" فشنونت و سرکوب را آغاز کرد. عبدالسلام عارف از اقدامات صدام به وشت افتاد و تشکیلات او را درهم پیچید و او را به مدت دو سال به زندان انداخت.

در سال ۱۹۶۸ میلادی و با کودتای امدمسن البکر، صدام ۳۱ ساله وارد تشکیلات امنیتی مسن البکر شد. تاریخ سله عراق از سال ۱۹۶۸ م. و آزادی صدام از زندان و شروع فعالیت امنیتی و سیاسی او شروع شد.

صدام فردی فشن، مستبد، دیکتاتور، ضد شیعه، ضد ایرانی و با تعصب شدید به عربیت بود.

امام خمینی (ره) در باره شخصیت صدام می فرمایند

صدام از آن زمانی که من در نجف اشرف بودم، مردم ا و را به خو رنوازی، جلادی، جنایت و مخالفت با اسلام خطاب می کردند.

ناگفته نماند که صدام مسین مردی بلندبالا، فوش اندام، راست قامت ، با توانای جسمی و همّت اجرایی کار بالا و مستمر بود . از همان اوان نوجوانی به مشروبات الکلی معتاد بود ولی این مسأله را کماکان پنهان می کرد. صدام سه بار ازدواج کرد . او از ازدواج اول خود سه دختر و دو پسر به نام های عُدی و قُصی داشت . صدام اگرچه اسماً نفر دوّم مزب بحث بعد از مسن البکر بود، اما اقتدار و شخصیت منمصر بفرد و مخوف امنیتی اش او را عملاً نفر اول کشور عراق معرفی می کرد.

صدام حسین در سن ۳۶ سالگی، آن زمانی که معاون شورای رهبری انقلاب عراق (مجلس قیاده الثوریّه) بود به جای مسن البکر به الجزایر رفت و در اجلاس سران کشورهای عضو اوپک (الجزیره) شرکت کرد. در ماشیهی همین اجلاس بود که با وساطت مرموم هواری بو مدین رئیس جمهوری فوق ید الجزایر و با حضور شاه ایران انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ تسرّی یافت.

مماقت و جاه طلبی صدام و نادیده انگاشتن به تعهدات قانونی و اخلاقی خود در فصوص امضای قرارداد ۱۹۷۵ (۵ سال قبل از جنگ) و لغو یکجانبه ی آن در شهریورماه سال ۱۳۵۹ و مجدداً بازگشت به تصمیم اولیه در سال ۱۳۶۷ (البته پس از ۸ سال فجایع) و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ پس از موافقت جمهوری اسلامی ایران با قطعنامه سازمان ملل، لایه های شفصیتی و پنهان او را مطابق با اصل هرمونوتیک بیشتر افشاء کرد. آری: عاقبت پس از ۸ سال جنابات تکان دهنده ی انسانی و اخلاقی و علیرغم پشتیبانی همزمان شرق و غرب ، قطعنامهی ۵۹۸ را پذیرفت که مبر تأیید مجدد بر قرارداد لغو شدهی ۱۹۷۵ از جانب خود ایشان و بطلان تفکّرات نابفردانه و زیاده فواهی ایشان در جهت ایفای نقش ژاندارمی فلیخ فارس بود.

او با تصمیمی عجلوانه و جاهلانه دو کشور جمه وری اسلامی ایران و عراق و منطقه ی فلیخ فارس بلکه دنیا را برفوردار از بمرانی جهانی کرد . بمرانی که میلیون ها خانواده را بی سرپرست، یتیم، بی خانمان، و مشمول مشکلات عدیده ی رومی، مالی و ناهنجاری های متعدد کرد وهزینه های هنگفتی را عاید بود . هر چند که به لطف فدا و رهبری های فرزانه وار و مقتدرانه مضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و مدیران م شفق و ایثار مضاعف

ملت غیور جمهوری اسلامی ایران از این آزمون سربلند بیرون آمدیم و هم عظلات و مشکلات را با تدبیر به فرصت‌های طلایی تبدیل کردیم.

ملاّح عُمر اُلعلى عضو شورای فرماندهی عراق می گوید : صدام دو شفصیت در یک پیکر بلکه چند شفصیت در یک پیکر بود. او به مسن البکر که از یک مزب و یک عشیره بود و زمینه‌ی رشد مدیریتی او را فراهم کرد هم رمم نکرد و با کودتا او را معدوم و به تسویه مزب پرداخت و بسیاری را به بهانه‌ی وابستگی به دولت سوریه قتل و عام کرد و برای رسیدن به ژاندارمی منطقه فلیج فارس و سلطه بر اعراب به قتل و عام شیعیان و کردها و مملهی همه جانبه به جمهوری اسلامی ایران اهتمام ورزید. او با تعصبات ناسیونالیسم عربی، ایرانیان را عَجّه و مجوس خطاب می کرد و به قتل فاندان آیات عظام مکیم و صدر پرداخت و بنت‌الهدی صدر و برادرش آیت الله صدر را در تاریخ ۲۱ فروردین سال ۱۳۵۹ به نمو فمیعی به شهادت رساند.

نقل است که قبل از اعدام آیت الله صدر، صدام به ایشان گفته بود که چنانچه حکومت مرا تأیید کنی اعدام نمی شوی. اما آیت الله صدر پاسخ داده بود: ذوبوا فی الأمام الفمینی، کما ذا ب الله.... یعنی ذوب شوید در فمینی، همچون ذوب شدن در فدا و همچنین خطاب به صدام می - گوید: کشتن من بهای زوال حکومت تو است و حکومت تو سرنگون می شود. این سخن شهید صدر دقیقاً پس از ۲۳ سال در ۲۱ فروردین سال ۱۳۸۲ تمقق یافت و اتفاقاً در همین روز صدام سقوط کرد.

مجلس اُعلای عراق به ریاست شهید سید محمد باقر صدر ماصل دشمنی و کینه ی صدام به مزب اَلدّعوه در عراق بود که پس از مهاجرت به ایران منعقد شد.

صدام با اَلقاب جعلی و اسامی سافتگی شهرها و استان های ما و موارد متعدّد فرابکارانه و جاسوسانه به

دفالّت واضح در کشور عزیز ما پرداخت. او با عربّت شناختن استان عزیزمان فوزستان سعی در تفرقه میان

عرب و عجم داشت و در تابلویی در شهر فرمشهر پس از تصرف نوشت : "مِئتا لنبقی" یعنی آمده ایم تا بمانیم.

فجایع و جنایات صدام و مزب بعث بر کسی پوشیده نیست. پس از سقوط صدام گورهای دسته جمعی زیاد ی

کشف شد که فقط در یک گور با ۳۵ گودال و داخل هر گودال ۸۱۲ جنازه‌ی مردم مظلوم عراق که عمدتاً شیعه بودند پیدا شد.

او با استفاده وسیع از سلاح‌های نامتعارف از جمله سلاح مفرّب و ناموانمردانه‌ی شیمیایی، علیرغم پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی

بر ممنوعیت استفاده از این سلاح ضد انسانی بارها دچار فاجعه‌ای نابخشودنی و غیر اخلاقی شد. با اهتمام به این

سلاح کشتار جمعی در مناطق جنگی بسیاری از رزمندگان اسلام را مصدوم و شهید کرد که تبعات آن هنوز بر جای ماندگان آن دوران و خانواده‌هایشان مشهود و ملموس می‌باشد. این جنایت تا جایی پیش رفت که پس از شکست مفتضحانه در عملیات والفجر ۱۰ در مقابل سپاه اسلام، مردم مظلوم و بی‌پناه ملیحه را آماج حملات شیمیایی قرار داد و بیش از ۵۰۰۰ نفر از شهروندان عراقی را به طرز رقت‌بار به شهادت رساند.

عقده‌ی مقارت و کینه‌توزی صدام در فصوص قرارداد ۱۹۷۵ با توجّه به وساطت هواری بومدین، برای صدام فیلی سفت تمام شد تا جایی که به تسویه شخصی و مسموم کردن و قتل ایشان (مرموم هواری بومدین - رئیس جمهور فقید البزایر) توسط عوامل امنیتی خود برآمد.

صدام کشور کویت را استان نوزدهم کشور عراق می‌پنداشت. تا جایی که هر چند در این جنگ کشور کویت از هر میث برایش سنگ تمام گذاشت، اما پس از فراغت از جنگ با ایران و در اوج مماقت و قضاوت قلب به غارت و اشغال همسایه‌ی خود کویت اهتمام ورزید که همین عامل مزید بر علت ها شد و زمینه‌ی سقوط و فروپاشی مزب بعث و فرار و اختفای مقارت‌بار او در دَغمه‌ی تنگ و تاریک و نهایتاً "دستگیری و اعدام او گردید.

گفشت زمان و پرداختن به زوایای پنهان این شخص سفاک و مخوف، از جانب صامبنظران، محقّقان و محافل علمی (از جمله دانشمویان عزیز) ترجمان واقعی فوی ددمنشی و جلّادی صدام و صمّه بر عمق واقعیت ها خواهد بود.

مروری بر چگونگی تأسیس و عملکرد مزب بعث

(از ایده آل و شعار تا واقعیت و عمل)

- ✓ پس از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۹۴۸م) و همزمان با اوج گیری تفکرات ناسیونالیسم عربی، تمت رهبری جمال عبدالناصر و در جهت مقابله با اسرائیل، انعقاد مزب بعث در سوریه توسط دو دانشجوی روشنفکر و ناراضی بنام های میشل عفلق (مسیمی) و صلاح الدین بیطار (مسلمان، سنی مذهب) در واکنش به وضع موجود در کشورهای عربی اتفاق افتاد.
- ✓ مرام سیاسی مزب بعث : **آزادی، اتماد، قومیت عربی، و سوسیالیسم** بود که به تفصیل به موارد مطروحه می پردازیم:
- ✓ **آزادی:** منظور از آزادی، (هایی از هرگونه سلطه ی خارجی و حکومت های فودکامه است. در آن زمان کشورهای عربی سفت تمت سیطره ی قدرت های استعماری و خارجی (فرانسه و انگلیس) بودند و این شعار می توانست همنوایی و زمینه ی پذیرش اعراب را به دنبال داشته باشد.
- ✓ **ومدت (اتماد):** براین عقیده بود که اتماد اعراب جز در سایه ی اصول بعث امکان پذیر نیست. لذا باید تمامی اعراب تمت لوائ یک حکومت قرار گیرند. به نظر مزب بعث ائتلاف های موجود بین اعراب اموری فرعی هستند که با بیدار شدن اعراب از بین می رود. مصول و مدت به زعم مزب بعث از طریق سیاست گام به گام ممقق فواهد شد.
- ✓ **ناسیونالیسم (قومیت گرایی):** تعصبات فاص در فصوص عربیت و اتفاد دایره ی شمول وسیع عربیت نسبت به دیگر اقوام و بویژه به اسلام بعنوان پایه ی اجتماعی کشور را مد نظر داشت. شعار اصلی مزب بعث نیز تمت عنوان : **"أمة عربية و امده، ذات رساله فالد"** یعنی: یک ملت عرب با یک مأموریت ابدی "، موقد این موضوع می باشد. در اندیشه ی عفلق، ناسیونالیسم عرب برتر از اسلام است. وی در مورد پیامبر مکرّم اسلام می گوید: محمد (ص) تبسم همه ی عرب هاست. پس باشد که امروز هم هر عرب پیامبر دیگری شود ... و در جای دیگر می گوید: دین اسلام جوابگوی مقتضیات آن روز بود، نه شرایط فعلی اعراب!!! ... صدام نیز می گوید: "وقتی ما صمبت از مذهب و میراث آن می کنیم، باید به یاد داشته باشیم که فلسفه ی ما شامل مذهب و میراث نمی شود. . . ایدئولوژی ما شامل همه ی آن چیزهایی نیست که در گذشته به وسیله ی مذهب تفهیم شده است."

✓ **سوسیالیسم:** "ماده‌ی ۴ اساسنامه‌ی حزب بعث در این فصوص می گوید: "سوسیالیسم (رشد و دایم معنوی و تکامل مادی و اتماد و اتفاق قوی میان مردم عرب را ضمانت می کند. " بدین معنی که سوسیالیسم بر نیازمندی‌ها و شرایط تاریخی و فصلت‌های اجتماعی فاصّ قوم عرب متّکی است . لذا عدالت، برابری و مساوات در بین مردم اعراب باید در تمام شئون زندگی تسرّی یابد . (تعدیل ثروت به نفع مردم و جلوگیری از جمع شدن ثروت در دست اشخاص محدود)

✓ کادر رهبری آن موسوم به **القیاده القطریّه و القیاده القوميّه** مشهور بود.

✓ پایه‌گذاران حزب بعث، نقش اسلام را بعنوان بخشی از فرهنگ عرب نفی کردند . آنها ریشه‌ی فرهنگ عرب را نه به دین اسلام، بلکه مطلقاً "به تمدّن‌های باستانی بین النهرین و دوران سومر، آشور و بابل می دانستند. به همین جهت تفکّرات و آموزش‌های آنها برای اعراب غیر مسلمان پر کشش بود.

✓ پس از مدّتی بین دو شاخه‌ی حزب بعث در عراق و سوریه اختلاف بوجود آمد و میشل عفلق مسیمی به عراق گرفت و بعنوان رهبر فکری این حزب و با رهبری اجرایی توسط دو نفر بنام های عبدالرّمن ضمین و عبدالخالق فضیری، حزب بعث شعبه‌ی عراق منعقد شد. در واقع اوّلین رهبر حزب بعث در عراق عبدالرّمن ضمین بود.

✓ بزودی حزب بعث در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، بویژه در دانشکده‌های افسری ن فوذ کرد و امد مسن البکر، صالح مهدی عماس و عبدالله سلطان از جمله افسرانی بودند که در دهه‌ی ۱۳۵۰ به حزب بعث پیوستند.

✓ صدام مسین در سال ۱۹۵۷م (سن ۲۰سالگی) به حزب بعث پیوست. در آن زمان حزب بعث مد اکثر ۱۰۰۰ نفر عضو داشت.

✓ حزب بعث یک تشکیلات زیر زمینی و مخوف بود که برای جبران ضعف نیروی خود به اجرای عملیات ضربتی دست زد.

✓ باتوجه به این خصیصه‌های حزب بعث، بستر مناسبی فراهم شد تا صدام در شافه‌ی انتظامات ضربتی حزب، فیز بردارد.

✓ حزب بعث به دنبال توسعه‌ی فعالیت زیر زمینی و ناسیونالیسم عربی بود و با اندیشه‌ی اسلامی سفت ضدّیت داشت.

✓ در سال ۱۹۵۷ یک گروه ۱۶ نفره از نظامیان ناراضی، به فرماندهی سرتیپ عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف بر علیه حکومت سلطنتی ملک فیصل کودتا کردند.

✓ عبدالکریم قاسم گرایش به کمونیست‌های شوروی داشت. عبدالسلام عارف نیز به حزب ناسیونالیستی ناصری و بعضی‌ها گرایش داشت. این ائتلاف منجر به سرنگونی عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۳گردید که جمال عبدالناصر از این کودتا استقبال کرد و ۲۰۰۰۰ قبضه اسلحه در اختیار جوانان بعضی قرار داد.

- ✓ عبدالسلام عارف در سال ۱۹۶۶ در سانحه‌ی سقوط بالگرد نظامی کشته شد و برادرش عبدالرحمان عارف به جای او به کرسی ریاست جمهوری نشست . عبدالرحمن عارف نیز مدود ۲ سال در رأس قدرت بود تا اینکه در سال ۱۹۶۸ با کودتای احمد حسن البکر ساقط شد و از این پس حکومت عراق کاملاً "توسط حزب بعث اداره می‌شد."
- ✓ حزب بعث در عراق در ژوئیه ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ش) فصل سیاه فون گرفته اش را به صورت رسمی آغاز کرد . حزبی که با شعارهای فریبنده‌اش، تاوان سنگینی برای مردم عراق، کشورهای عربی و منطقه به دنبال داشت.
- ✓ تمرکز حزب بعث مبتنی بر استبداد، کشتار ناراضی‌ها، فقدان معیار و یا قانون اساسی، عدم انطباق با مبانی ارزشی و اسلامی، انحصار، دیکتاتوری، زور و اجبار، مفسد و شکنجه، و . . . و بالأخره فروغ از پیمان عدم تعرض سعدآباد (ژوئیه ۱۹۳۷)، (پیمانی که ائتلاف بر ضد تمرکات شوروی سابق تلقی می‌شد و با کشورهای ایران، ترکیه و افغانستان بسته شده بود .) و مشارکت در پیمان سنتو، انعقاد سافتار حکومتی بشدت ن ظامی و عمودی، طیفی و زیر نظر شورای فرماندهی انقلاب و با تصمیم‌گیری دیکتاتورمآبانه و منمصر به فرد بود.
- ✓ توزیع و تمرکز قدرت در شورای فرماندهی عراق، منمصر " زیر نظر شفص صدام مسین بود.
- ✓ صدام در سراب ژاندارمی منطقه‌ی فلیج فارس و فاورمیانه دچار توهم شده بود و بسیار تمایل داشت تا خود را رهبر جهان عرب بداند و بدنبال ایفای نقش جمال عبدالناصر در جهان عرب نیز بود.
- ✓ در سال ۱۹۸۸ حزب بعث اعلام کرد ۱۰٪ از جمعیت ۱۵ میلیونی عراق ، نزدیک به ۱۵۰۰۰۰۰ هزار نفر به عضویت حزب بعث در آمده اند و در بین آنها ۳۰۰۰۰ نفر که بالغ بر ۲٪ کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، به عنوان کادر رسمی حزب بعث می‌باشند.
- ✓ کوچکترین سلول حزبی بعث ← ملقه ← متشکل از ۷ تا ۳۷ نفر، در سطح (روستا یا یک کوچه بود.
- ✓ از بهم پیوستن چند ملقه ← فرقه ← تشکیل و درس طع یک روستای بزرگ، یک مملّه، یا یک کارخانه‌ی بزرگ فعالیت می‌کردند.
- ✓ از بهم پیوستن چند فرقه ← شعبه ← تشکیل و در سطح یک بخش، یا شهرستان ممقق می - شد.
- ✓ از بهم پیوستن چند شعبه ← فراع ← تشکیل که در سطح استان فراگیر می‌شد.
- ✓ از بهم پیوستن ۱۸ فراع استانی و ۳ فراع در مرکز بغداد ← حزب بعث ← منعقد می‌شد.
- ✓ توضیح: کشور عراق برقرار از ۱۸ استان می‌باشد.
- ✓ به هر حال مراهم نامی شوم حزب بعث و تصمیمات نابفردانه‌ی صدام مسین بعثی، جنگ تممیلی بر علیه کشور نوپا و اسلامی ایران را رقم زد و باعث به بار آمدن آسیب‌ها، تبعات و هزینه‌های کلان در بدنه‌ی مدیریتی، نیروی انسانی و منابع موجود دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق گردید.
- ✓ برقی از ممققان معتقدند که حزب بعث (بعثیسم) معادل یک نظام تک حزبی و منطبق با مراهم فاشیست (موسیلینی)، نازیسم (آدولف هیتلر)، و استالیسم (استالین) است. خصوصیات این حزب برقرار از تفکرات ضد پارلمانی (ضد جمعی)، رومی‌ی استبداد، دیکتاتوری و انحصاری است که

دشمنی آشکاری با دموکراسی، لیبرالیسم و سوسیالیسم دارد، هر چند شعار های ف ریبنده ی آن مطمع اساسنامه ی آن مزب باشد . از این میث فشنونت، دیکتاتوری، زور، توسعه طلبی، تمامیت خواهی، فودکامگی ، جنگ طلبی، نژادپرستی، فودرآپی، و فردد ستیزی از دلالت های ضمنی مزب بعث می باشد.

منابع:

۱. روند جنگ ایران و عراق/ مسین علایی
۲. مکاتب فلسفی و آراء تربیتی/ مرالد ال گوئک . /ترجمه ی ممتد معصر پاک سرشت
۳. بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق/مضر معصری ولدانی
۴. بررسی کشور عراق / لوئیس از مرتایمر / ترجمه ی سید جلیل منالمن ماهیدشت

بی عنایات ف ————— دا هیچی، هیچ

اینقدر گفتیم لیک ان ————— در بسیج



منصور و شادکام باشید

تهیه کننده: مختار کلانتری

تابستان ۱۳۹۴

دانشگاه آزاد اسلامی واهد شیراز